

اعتصاب عمومی سیاسی*

بخش یکم: اشاره‌ای بر مفاهیم

الف - اعتصاب

اعتصاب کارگری، سلاح مبارزه طبقاتی

اعتصاب، محصول سرمایه‌داری و حربه کارآمد کارگران در مبارزه طبقاتی است. کارآمدی این حربه در آن است که قلب و هستی سرمایه‌دار، یعنی «سود» را نشانه می‌گیرد.

اعتصاب کارگری، سلاحی است طبقاتی، که جبر اقتصادی تحمیل شده به کارگران را با جبر اقتصادی علیه سرمایه‌داران پاسخ می‌دهد؛ و سلاحی است که فقط بصورت جمعی می‌توان آن را به کار انداخت. اعتصاب عمومی کارگران یک کشور، مضاف طبقه در برابر طبقه، در آن کشور است.

تشخیص این که یک اعتصاب معین، در تمرکز روی کدام نقطه حساس حریف و تحت چه مجموعه شرائطی می‌تواند او را به سازش و یا تسلیم بکشاند، مسأله کلیدی هر اعتصاب است. مثلاً وقتی تصمیم دارند یک بخش کارخانه را بخاطر آن که دیگر برای‌شان منشأ سود نیست، تعطیل کنند، دست از کار کشیدن کارگران آن بخش، بخودی خود نه فقط حربه‌ای به حساب نمی‌آید و لطمه‌ای به کارفرما نمی‌زند، بلکه در جهت همان تصمیم است. در چنین وضعیتی، آشکال دیگری از اعتراض و مبارزه، و یا اعتصابات حمایتی کارگران دیگر بخش‌هاست که می‌تواند موجب فشار بر کارفرما گردد.

اما پیروزی اعتصاب، فقط با نشانه رفتن روی نقطه حساس منافع و مصالح حریف به دست نمی‌آید و کار، به این سادگی به پیش نمی‌رود. صاحب قدرت، به هر تدبیری دست می‌زند تا حربه اعتصاب را از کار بیاندازد. می‌کوشد در میان اعتصابیون تردید و تفرقه بیاندازد؛ با توسل به پلیس و سرکوب و دستگیری رهبران اعتصاب و اخراج، ترس و وحشت ایجاد کند؛ می‌کوشد با دست زدن به مانورها و وقت‌کشی‌ها، اعتصابیون را زیر فشار شرائطی که اعتصاب بر خود آنان تحمیل می‌کند (مثلاً بی‌پولی و گرسنگی) فرسوده و مستأصل کند. اعتصابیون برای پیروزی، باید جهت خنثا کردن این مانورها، تدابیری بیاندیشند و در نبرد تاکتیک‌ها، ابتکار عمل را در دست بگیرند.

ب - اعتصاب عمومی

در اصطلاح رایج، اعتصاب عمومی، به اعتصاب فراگیر در یک رشته یا در یک شاخه از فعالیت‌های اجتماعی هم گفته می‌شود؛ مثلاً اعتصاب عمومی تاکسی رانان؛ اعتصاب عمومی معلمان؛ و غیره. اعتصاب عمومی بطور همزمان در چند شاخه نیز می‌تواند پیش

اعتصابات کارگری دارند هر روز گسترده‌تر می‌شوند و روزی نیست که خبر چند تحصن و راه‌پیمایی و اعتصاب کارگری نرسد. از دانشگاه‌ها و حتی بیمارستان‌ها هم خبر اعتصاب می‌رسد. معلمان تهدید می‌کنند که اگر به خواسته‌های‌شان بی‌توجهی بشود، به اعتصاب سراسری دست خواهند زد. اصلاح ناپذیری جمهوری اسلامی، هر روز بیشتر برای توده‌های مردم آشکار می‌شود و آن بخش‌هایی هم که نیمچه امیدی به اصلاح طلبان داشتند، دیگر دارند متقاعد می‌شوند که اصلاح این رژیم، در مرگ آن است.

ناکارآمدی راه‌ها و روش‌های قانونی برای تحمیل خواسته‌های خود به حکومت، روز به روز بیشتر برای اقشار گوناگون مردم آشکار می‌شود و جز توسل به راه‌ها و روش‌های فراقانونی، چاره‌ای برای‌شان نمی‌ماند. اعتصاب، یکی از این راه و روش‌هاست، که شاهد گسترش استفاده از آن، بویژه در میان کارگران هستیم.

در شرائط یک بحران و بن بست همه جانبه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، فراروئیدن اعتراضات مردم به اعتصاب عمومی سیاسی، یکی از احتمالات است. بی آن که قصد پیش‌گویی درباره حتمیت وقوع اعتصاب عمومی سیاسی در بیکار مردم با رژیم جمهوری اسلامی در کار باشند، با توجه به نامحتمل نبودن آن در چشم انداز، لازم است که اعتصاب عمومی سیاسی بعنوان یکی از عالی‌ترین سطوح اقدامات فراقانونی و بمثابه حربه‌ای کارآ در آید بیکار طبقاتی کارگران علیه طبقه حاکم و بیکار توده‌ای برای پایان دادن به حیات رژیم سیاسی حاکم، مورد توجه، بحث و بررسی توسط سازمان‌گران و رهبران جنبش کارگری و دیگر اقشار آزادی‌خواه در ایران قرار گیرد، تا با شناخت هر چه بهتر و آمادگی هر چه بیشتری بتوان این سلاح را به کار گرفت.

من در این نوشته، تزهائی را در باره تعریف و کارکرد اعتصاب عمومی سیاسی؛ ملزومات عمومی تکوین، و شرائط عمومی موفقیت آن، بعنوان پیش‌درآمد چنین بحثی طرح می‌کنم؛ تا هم برخورد صاحب‌نظران با تزهائی مطرح شده در این نوشته، جوانب تئوریک موضوع را چکش کاری کند؛ و هم این بحث، مدخلی بشود برای بررسی تجربی زمینه‌های شکل‌گیری و امکانات پیروزی اعتصاب عمومی سیاسی در شرائط مشخص ایران امروز، بویژه توسط پیشگامان و رهبران عملی جنبش کارگری و سوسیالیستی در داخل کشور، که مخاطبان مقدم این نوشته هستند.

خوب است که ابتدا به سه مفهوم «اعتصاب»، «اعتصاب عمومی»، و «اعتصاب سیاسی» که پایه‌های مفهومی «اعتصاب عمومی سیاسی» را تشکیل می‌دهند، اشاره‌ای بکنیم.